



## **A Space of Ours, An Exploration of Identity in Contemporary Architecture**

**Zakiyeh Tabatabaei<sup>1</sup>**

Received: 2023-08-10, Accepted: 2023-10-31

DIO: 10.22034/RAU.2023.2006996.1054

### **Abstract**

The loss of the identity of spaces in the architecture and urban planning of the contemporary world is a comprehensive and multifaceted issue influenced by various factors such as globalization, rapid urban development and transformations, and new technologies in construction. The crisis is aggravated for the developing countries with a rich architectural heritage that have welcomed modernity and its achievements in building techniques, and their architects have begun to design through the lenses of Western aesthetics in architecture. We might consider it possible to change the view of architects and designers from a purely aesthetic point of view to a life-orientated one. But we cannot still be oblivious to the influence of the imported techniques and materials that play a significant role in the quality of spaces. The profit-seeking point of view has taken away the opportunity to digest the imported architecture.

Considering the opinions of thinkers in the fields of humanities and architecture, the present essay raises the question of the possibility of reviving the lost identity on the scope of this crisis and how to maintain the connection to culture and history while accompanying the forced path of the times and the world. Through this exploration, the essay tries to find components for identity in architectural and urban design. The research approach is a theoretical approach in which the opinions of thinkers and philosophers on concepts related to identity, life, and architecture are studied and critically analyzed. Through this analysis, an attempt is made to answer the question: how to plan a way to one's own space?

The question of the lost spaces leads us to the question of the lost self. How can architecture help a dweller to recognize oneself? To know and recognize ourselves, we need a mirror that reflects us to ourselves. The spaces that surround us and the spaces in which we act according to our life are both a platform for our life and a mirror that reminds us of who we are. Self-recognition in the

---

1. Assistant Professor of Architecture, Department of Architectural Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Soore University, Tehran, Iran. Email: tabatabaei@soore.ac.ir

mirror of place and space becomes possible by dwelling. Here, dwelling is used in a broader sense than residing in a building. Whenever man can regain his position in relation to the earth and the sky, himself and his fellow species, or he himself, through the means of space, and can define these relations under the order of building, the matter of dwelling has taken place. Man's residence in space, which turns it into a place for his life, is possible in the light of the mirror-like ability of space and the unification of man and space.

The analysis revealed that consolidation of identity needs both thought and reminisce. In defining the remindful space, its required characteristics and components, and what should be reminded, we return to the definition of man. Man is identified based on his relationship with God, himself, nature, and others. Hence, the question of identity in architectural space as a dwelling place for man is how it can help him to remember and find his relation to these four. So, thought-provoking quality, reminisce-provoking quality, and meaningfulness are proposed as solutions for this challenge, and strategies are provided for each. Among the answers in this direction are remindful architecture by using familiar signs and forms related to cultural concepts, providing the possibility of belonging, perception and thinking, readability and touchability of space, and enabling the transfer of perception from form to meaning through allegorical quality.

After classifying the solutions, the essay presents three main characteristics architectural spaces should have to maintain identity through time. Thought-provoking as providing the dwellers with space and opportunity to engage with deep thought about their being and identity relative to the world's existence; meaning-making, expressly the possibility of tying meaning with architectural spaces or elements in the context of time and poetic dwelling, and reminisce as establishing and continuing the audience's perceptual and behavioral patterns based on the common culture of spatial characteristic, are the architectural characteristics that smoothen the stages of establishing and consolidating identity in space and promise its continuity in the context of time.

In the meantime, architects should look at how to change the view of architects and designers from a purely aesthetic look to a life-orientation one. And how to strengthen presence, thinking, self-awareness, and life choices based on their own lifestyle in the space for the audience. And, of course, the final answer lies in the reminder that it isn't possible to regain identity in architectural space, except by the inner return of the dwellers to the abandoned realms of their existence, and the first step is to plan the way of this return.

**Keywords:** Identity, Contemporary architecture, Time, Reminisce, Thought

## در جست‌وجوی فضای خویش کنکاشی در باره هویت‌مندی در معماری معاصر

زکیه‌السادات طباطبایی لطفی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۹-۰۵-۱۴۰۲، تاریخ پذیرش: ۰۹-۰۸-۱۴۰۲

DIO: 10.22034/RAU.2023.2006996.1054

### چکیده

کم‌رنگ شدن هویت فضاها در معماری و شهرسازی جهان معاصر موضوعی فراگیر و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جهانی شدن، توسعه و تحولات سریع شهری و تکنولوژی‌های جدید در ساخت‌وساز قرار دارد. در کنار این عوامل جهانی، این بحران در کشور ایران، همچون دیگر کشورهای در حال توسعه، با استقبال از تجدد و تسری رویکرد زیبایی‌شناسی غربی و نگاه سبکی به معماری ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری پیدا نموده است. جستار حاضر با غور در آراء متفکران عرصه‌های علوم انسانی و معماری، پرسش امکان احیای هویت از دست‌رفته را بر دامنه این بحران طرح نموده و چگونگی حفظ اتصال به فرهنگ و تاریخ را در عین همراهی با مسیر قهری زمانه و در ذیل طرح افکنده شده بر عالم متجدد می‌سنجد و در این کنکاش با بررسی و تحلیل انتقادی نظر اندیشمندان، و در قالب طرح موضوعات و پرسش‌های فرعی و تبیین مفاهیم اصلی مرتبط سعی می‌نماید تا به راهبردهایی برای هویت‌مندی در طراحی معماری و شهری دست یابد. یافته‌های تحقیق اهمیت توجه به نگاه زندگی‌مدار و مبتنی بر زیست شاعرانه در طراحی معماری و پرداختن به چندوچون تقویت حس تعلق و حضور مستمر، تفکر و زیست شاعرانه در فضا برای مخاطبان در طراحی معماری را جلوه‌گر می‌سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هویت‌مندی در طراحی معماری و شهری ذیل معماری تذکاربخش، معناپذیر، و تفکرانگیز میسر می‌گردد. تفکرانگیزی در راستای شناخت درونی هویت فردی خویش در نسبت با هستی، معناپذیری در جهت امکان‌پذیری گره خوردن معنا با فضا یا کالبد معماری در بستر زمان و سکونت شاعرانه، و تذکاربخشی در راستای تثبیت و تداوم الگوهای ادراکی و رفتاری مخاطبان مبتنی بر فرهنگ مشترک خصیصه‌های فضایی هستند که مراحل احراز و تثبیت هویت در فضا و تداوم آن در بستر زمان را هموار می‌کنند.

**کلیدواژگان:** هویت، معماری معاصر، زمان، تذکار، تفکر.

۱. استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.  
Email: tabatabaei@soore.ac.ir



## مقدمه

به نظر می‌رسد که معماری معاصر ایران، همچون بسیاری دیگر از کشورهای شرقی و یا درحال توسعه که خود دارای سنت‌های غنی معمارانه هستند از وام‌گیری و الگوبرداری از سبک و سیاق معماری مدرن، چه از حیث زیبایی‌شناسی و نگاه سبکی و مهم‌تر از آن تکنیک ساختمان و مواد و مصالح ساختمانی چنان اباپی ندارد. اما آن چنان هم نیست که این استقبال از تجدد و مظاهر آن در معماری حرف و دغدغه‌ای را برنیا نگیخته باشد. امروزه سخن از بحران هویت، شکوه از دست‌رفته هنر و تمدن تاریخی، سستی پایه‌های فرهنگ و سنت زندگی و رابطه دوسویه آن با آشفتنگی و نابسامانی وضع خانه‌ها و شهرها، و چگونگی مواجهه با تجدد، چه از حیث مقابله و چه از حیث تعامل، گفتمانی غالب در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه معماری است.

اگر تغییر نگاه معماران و طراحان را از نگاه زیبایی‌شناسانه به سوی نگاهی مبتنی بر زندگی و فرهنگ و هویت میسر و ممکن بدانیم، باز از نفوذ تکنیک و مصالح غیر بوم آورد معماری که امروزه در تعیین بخشی به کیفیت فضاها نقش مهمی دارد و از نگاه سودجویانه به ساخت‌وساز که حس تعلق و عزم کافی برای از آن خودسازی را از بنیان بنا سلب می‌کند، نمی‌توان برکنار بود.

در این جستار پرسش از امکان احیای هویت از دست‌رفته را بر دامنه این بحران مورد بررسی و مذاقه قرار داده شده و چگونگی حفظ اتصال به فرهنگ و تاریخ را در عین همراهی با مسیر قهری زمانه و در ذیل طرح افکنده شده بر عالم متجدد به سنجش گذاشته شده است. بنیان نظری این جستار حول تناظر انسان و فضا و به تبع آن تناظر سخن از فضاهای بیگانه و انس‌ناپذیر با بحران هویتی انسان افکنده شده است. از این‌رو بخشی از مقاله به شرح این نسبت و چگونگی بازشناسی خویش در فضا اختصاص یافته است. بخش دیگر به بررسی ذیل مقدرات زمانه و عالم مدرن و موانعی که علم تکنولوژیک و به‌کارگیری آن در معماری بر سر راه سکونت حقیقی قرار داده است پرداخته و ابعاد مسئله را ذیل این نگاه بسط می‌دهد. پس از این با تمسک به مفاهیمی چون هویت، تعلق، احراز هویت و تداعی، نگاهی دقیق‌تر به مفهوم فضای خویش داشته و سپس به چندوچون طرح راهی به سوی آن از منظر معماری در نسبت با تاریخ و زمانه می‌پردازد.

## روش تحقیق

با توجه به این که پرسش از فضای خویش، ناظر به بنیان‌های نظری و فلسفی مبادی حس تعلق و هویت است، این مقاله پژوهشی بنیادین و اکتشافی تلقی می‌گردد که در تلاش است بستری نظری را برای پژوهش‌های عینی‌تر و کاربردی‌تر فراهم سازد. موضوع اصلی تحقیق به صورت یک مسئله و پرسش اصلی مطرح گردیده که پاسخ به آن هدف اصلی پژوهش است. پیگیری این هدف با توجه به رویکرد نظری تحقیق، مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی و از طریق طرح، بررسی و تحلیل و تفسیر انتقادی نظر اندیشمندان است که به این موضوع پرداخته‌اند، و در قالب طرح موضوعات و پرسش‌های فرعی قابل پژوهش و تبیین مفاهیم اصلی مرتبط دنبال می‌گردد. این پژوهش از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها و ارزیابی آن کیفی و مبتنی بر جمع‌آوری داده‌های اسنادی (مکتوب) و تفسیر آنها مبتنی بر تأمل و تفکر انتقادی است که در آن تحلیل و تطبیق نظرات مبتنی بر قیاس و استقرا و ایجاد مقولات و نتیجه‌گیری مبتنی بر استدلال منطقی است. در این کنکاش، مرور ادبیات موضوع، در تبیین نظر چند متفکر منتخب در دو دسته متفکران غربی و متفکران ایرانی بسط یافته و برای پاسخ دادن به پرسش اصلی پژوهش مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. این موضوعات و پرسش‌های فرعی خود مستخرج از تحلیل مضمونی و محتوایی داده‌های متنی مورد استناد است. در نهایت، مفاهیم کلیدی مطرح در اندیشه این اندیشمندان و پاسخ‌ها و راه‌حل‌های آنها در راستای پرسش تحقیق مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته و بر اساس وجوه مشابه و نوع راه‌حل دسته‌بندی گردیده و ذیل سه راهبرد اصلی با عناوین پیشنهادی نگارنده طبقه‌بندی گردیده‌اند و مؤلفه‌هایی به مثابه راهکار معمارانه برای تحقق آن راهکارها بیان گردیده است.

## مروری بر ادبیات موضوع

هویت، چه فردی و چه جمعی، از دیرباز مفهومی جذاب و پیچیده در قلمرو معماری بوده است. کمرنگ شدن یا گم شدن هویت در فضاهای معماری به‌ویژه در شهرهای بزرگ موضوعی چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جهانی‌شدن و توسعه سریع شهری قرار دارد. با توجه به این مسئله، بررسی هویت در فضاهای معماری با تکیه بر بینش اندیشمندان و فیلسوفان مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

هم هستند که کمی عمیق‌تر، تخصصی‌تر و بسیط‌تر، به مسئله هویت در شهر و معماری نگریسته‌اند. جهان‌شاه پاکزاد، مروارید قاسمی و ناصر فکوهی از جمله افرادی هستند که در این راستا می‌توان نام برد. اما در نهایت برای عمیق‌تر شدن به موضوع نیاز به بررسی مطالعاتی داریم که فراتر از بحث هویت در معماری به خود مسئله هویت و بحران آن در ایران معاصر پرداخته باشند. طرح بحران هویت در ایران معاصر توسط اندیشمندان مختلفی با نگاه فلسفی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. رضا داوری اردکانی، داریوش شایگان، حسین کچویان و دیگر اندیشمندان هرکدام از نگاه و زاویه متفاوتی به طرح مسئله هویت و تقابل سنت و تجدد در ایران معاصر پرداخته‌اند. مطالعات ذکر شده در این بررسی ادبیات، بینش‌ها و استراتژی‌های ارزشمندی را برای پرداختن به چالش جمع حفظ هویت و اصالت در معماری در بستر زمان ارائه می‌دهد. برای بهره‌مندی از این بینش‌ها در ابتدا مفهوم هویت در فضاهای معماری معاصر از دیدگاه برخی از متفکران و شخصیت‌های تأثیرگذار غرب همچون مارتین هایدگر، کریستیان نوربرگ شولتز، هانس گئورگ گادامر که پیرامون هویت، معماری و سکونت قلم زده‌اند بررسی گردیده و سپس با توجه به نگاه ویژه تحقیق به پرسش از هویت در معماری ایران و لزوم توجه به نگاه متفکران ایرانی به این مسئله، نظرات برخی از اندیشمندان ایرانی در این زمینه مورد کنکاش و تحلیل قرار گرفته است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که نظر اندیشمندان در دو دسته اندیشمندان غربی و ایرانی به افراد ذکر شده در این مقاله محدود نمی‌گردد و متفکران دیگر و اندیشه‌های مهم دیگری نیز به مسئله هویت و یا دقیق‌تر به مسئله هویت در معماری پرداخته‌اند که به علت مجال محدود تحقیق، در این مقاله مورد اشاره و بررسی قرار نگرفته است.

### تأملی بر مفهوم هویت

در فرهنگ فارسی معین معانی مختلفی برای واژه هویت ذکر شده است. از جمله: «ذات باری تعالی»؛ هستی یا وجود؛ و آنچه موجب شناسایی شخص باشد و او را از دیگران متمایز نماید (معین، ۱۳۷۹: ۵۲۲۸). واژه هویت معادل واژه Identity در زبان انگلیسی است که در رابطه با انسان و به داشتن تصویری از خود<sup>۱</sup> تعبیر شده و ناظر به احساس پدیدارشناختی از خود به عنوان موجودی مجزا با شخصیتی متمایز و «خود واقعی» است که در طول زمان تداوم دارد (Oxford Reference). این تعبیر

در بررسی پژوهش‌هایی متمرکز بر مفهوم هویت در معماری در مطالعات اندیشمندان غربی می‌بینیم که این مطالعات بنیان‌های نظری عمیق و فلسفی در تبیین مفهوم هویت انسان و نسبت آن با جهان، زندگی و تاریخ را در بر می‌گیرد. اگرچه این مطالعات هم در رسیدن به راهکارهای ملموس نیاز به توسعه و تکامل دارند، اما در همین مرحله هم می‌توانند مبدأ الهامی برای متفکران و معماران ایرانی که دغدغه هویت در معماری و شهرسازی را دنبال می‌کنند باشد. در این راستا می‌توان به آرای مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶)<sup>۱</sup> اشاره کرد که در پرسش از هویت انسان در نسبت با جهان و محیط پیرامون، نظری به سکونت و فضاهای زندگی دارد. همچنین آثار کریستیان نوربرگ شولتز (۱۹۲۶-۲۰۰۰)<sup>۲</sup> که با تکیه بر آرای هایدگر و با تمرکز بیشتری بر معماری، به هویت و سکونت انسان در فضا می‌پردازد به عنوان مطالعات تفسیرگر این نگاه قابل استناد است. هانس گئورگ گادامر (۱۸۰۵-۱۸۷۵)<sup>۳</sup> فیلسوف دیگری است که با تکیه بر مفهوم زندگی، چگونگی تداوم هویت و معنا در بستر تاریخ و زمان را هم به این کنکاش می‌افزاید.

در باب مفهوم و مسئله هویت در معماری و شهرسازی با کنکاشی در پژوهش‌های اخیر توسط اندیشمندان معاصر ایرانی می‌بینیم که این مسئله دغدغه بسیاری از معماران معاصر ایرانی نیز بوده و هر یک از موضع خود به تفسیر و اعلام نظر پیرامون آن پرداخته‌اند. سازگار و سیدیان (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی ارکان‌های هویت از دیدگاه دانشمندان معاصر ایران» برخی از دیدگاه معماران معاصر را به طور خلاصه بیان و دسته‌بندی نموده‌اند. همچنین با مروری بر عناوین مقالات معاصر در زمینه هویت در معماری و شهرسازی می‌توان به تبیینی کلی از وضعیت پژوهش در این عرصه رسید. در این بررسی می‌توان به وضوح دید که بیشتر ادبیات موجود در این زمینه یا فاقد تعریف بنیان نظری عمیق و فلسفی از مفهوم هویت بوده و یا در ارائه راهکارهای معمارانه صرفاً با یک نگاه مفروض و مطالعه موردی محدود به توصیه رسیده‌اند. و البته در همین زمینه هم وزن بیشتر پژوهش‌هایی که به راهکار و توصیه‌های کالبدی و طراحی رسیده‌اند اغلب به سمت شهرسازی است؛ که شاید بتوان علت آن را در بروز بحران در تصمیمات و مداخلات مدیریتی در نسبت با بافت‌های سنتی، تاریخی یا فرسوده شهری و فوریت و ضرورت ارائه راهکار برای رفع آن دانست. در کنار نظرات معماران و پژوهش‌های موردی کوچک، پژوهشگرانی



نیستند، بلکه اجزای جدایی‌ناپذیر وجود انسان هستند. از این رو معماری صرفاً به ساخت کالبد فضاها نمی‌پردازد، بلکه معانی، ارزش‌ها و آرزوهای انسان را در بر می‌گیرد. هایدگر از طریق دریچه فلسفی خود، بر تعامل بین معماری و تجربه انسانی پرتو می‌افکند و ادعا می‌کند که معماری به شکل‌گیری هویت و درک جمعی ما از خود و جهان کمک می‌کند.

کلیدی‌ترین کلیدواژه در کاوش هایدگر از هویت در معماری، مفهوم سکونت است. هایدگر سکونت را به‌عنوان شیوه‌ای اساسی از وجود می‌بیند که در آن افراد نه‌تنها در فضاهای فیزیکی ساکن هستند، بلکه ارتباط عمیقی با محیط اطراف خود برقرار می‌کنند. به عقیده هایدگر، یک مسکن اصیل افراد را قادر می‌سازد تا با جهان هماهنگ باشند و حس ریشه‌داری و تعلق را با آن بیابند. این سکونت از نظر هایدگر به فضای داخلی یک ساختمان محدود نمی‌شود، بلکه به محیط وسیع‌تر و بافت فرهنگی گسترش می‌یابد. هایدگر از طریق با نگاهی عمیق، تأثیر محیط‌های ساخته شده بر حالات، ادراکات و تعاملات ما را تبیین می‌کند. او از ما دعوت می‌کند تا در نظر بگیریم که معماری چگونه با عمیق‌ترین دغدغه‌های وجودی ما می‌آمیزد و حس خود و روابط ما با دیگران را شکل می‌دهد (Heidegger, 1971).

پیامدهای اندیشه هایدگر در مورد هویت در فضاهای معماری بسیار گسترده است. اندیشه او معماران و طراحان را تشویق می‌کند تا فراتر از رویکردهای مرسوم حرکت کنند و ابعاد فلسفی هنر خود را بیابند. با شناخت تأثیر عمیق معماری بر افراد و جوامع، معماران می‌توانند فضاهایی را ایجاد کنند که حس اصالت، تعلق و به هم‌پیوستگی را تقویت کند. نظریه‌پردازان و دست‌اندرکاران معماری اغلب به ایده‌های او در مورد هویت، مسکن و جوهر معماری اشاره می‌کنند. سخن آخر آن‌که اندیشه هایدگر درباره هویت در فضاهای معماری، درک عمیق فلسفی از رابطه وجود انسان و محیط ساخته شده را ارائه می‌دهد و به معماران این انگیزه را می‌دهد که نقش معماری در زندگی را دوباره ارزیابی کنند و برای طرح‌هایی که فضاها را با حس معنا، هدف و تحقق وجودی انسان بیامیزند تلاش کنند.

## هویت و نسبت آن با ماهیت معماری از منظر کریستیان

### نوربرگ شولتز

شولتز از نظریه‌پردازان حیطة معماری است که در آرای خود متأثر از پدیدارشناسی مارتین هایدگر، فیلسوف مشهور آلمانی

یعنی وجوهی که موجب تمایز و شناخته شدن است در این مقاله مورد توجه است و آن را می‌توان در تعبیر هویت فضا یا مکان نیز به کار برد. بنابراین تعاریف، هویت صرفاً مشتمل بر خصوصیات یا ویژگی‌های فرد یا مکان نیست. هویت از طریق تعامل با دیگران ساخته می‌شود و در گفتگو با دیگران امکان توسعه و تداوم دارد. بنابراین هویت دائماً توسط سوژه و افراد مرتبط در حال ساخت است. در فضای بین‌الذنهانی تسهیل می‌شود و به طور موقت توسط سوژه برای اهداف معینی پذیرفته می‌شود. هویت توسط منابع و روابط خاص ایجاد می‌شود، و در زمینه‌های خاصی فعال می‌شود. همچنین هویت امری است که به جامعه، منطقه، فرهنگ، تاریخ و جغرافیا وابسته است و متأثر از تحولات آنهاست. از این رو مفهوم هویت همواره با پویایی و گشودگی همراه است. از سوی دیگر همین وابستگی به فرهنگ و تاریخ و باورها، مبتنی بر وجوه مشترک معنایی و ارزش‌های تعریف‌شده در آنها مفهوم هویت را با اصالت نیز قرین می‌کند. بدین ترتیب مفهوم هویت از یک سو به ریشه‌مندی و از سوی دیگر به تحول نظر دارد.

## هویت و معماری از منظر اندیشمندان غربی

### هایدگر و هویت در فضاهای معماری

مارتین هایدگر، یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان قرن بیستم، بینش عمیقی را در مورد رابطه بین هویت و فضاهای معماری ارائه می‌دهد. مفهوم هایدگر از «بودن در جهان» بر تأثیر متقابل وجود انسان و محیط ساخته شده تأکید دارد (Heidegger, 1927). در بیان او هویت اصیل زمانی به وجود می‌آید که افراد با محیط اطراف خود ارتباط صمیمانه برقرار می‌کنند و به روش‌های معنی‌داری با آن وارد تعامل می‌شوند. به گونه‌ای که این تعامل گوهر وجودی آنها را منعکس می‌کند. باین حال، او همچنین نگرانی‌هایی را در مورد گرایش معماری مدرن به آشنایی‌زدایی و جایجایی، که منجر به از دست دادن هویت افراد در این فضاها می‌شود، مطرح می‌کند (Heidegger, 1971).

مارتین هایدگر در مقاله مهم خود، «بنا کردن، سکونت کردن، فکر کردن»، رابطه عمیق بین هویت و فضاهای معماری را بررسی می‌کند (هایدگر، ۱۳۹۳). افکار هایدگر که در سال ۱۹۵۱ منتشر شد، چشم‌انداز فلسفی منحصر به فردی را ارائه می‌کند که از درک دنیوی ساختمان‌ها فراتر می‌رود و جایگاه عمیق‌تر آنها را در وجود انسان آشکار می‌کند. هایدگر در این مقاله ادعا می‌کند که ساختمان‌ها صرفاً سازه‌های منزوی